

تأثیر تبعیض جنسیتی ادراک شده بر سلامت روان زنان

سیده فاطمه یعقوبی هاشجین*

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه زنجان

طاهره الهی

استادیار دانشکده علوم انسانی (گروه روان‌شناسی) دانشگاه زنجان

چکیده

پژوهش حاضر ضمن بررسی میزان بروز و ماهیت تبعیض جنسیتی، رابطه تبعیض جنسیتی ادراک‌شده توسط زنان و میزان افسردگی، اضطراب و استرس در آن‌ها را بررسی کرد. نمونه‌ای متشکل از ۱۰۳ زن به تصادف انتخاب شده و پرسشنامه‌های SSE (رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی) و مقیاس DASS-21 را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی تحلیل شد. ضرایب همبستگی نشان داد که بین نمرات تبعیض جنسیتی ادراک‌شده، همچنین نمرات تمام زیرمقیاس‌های پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و افسردگی، اضطراب و استرس همبستگی معنادار مثبت وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که تبعیض جنسیتی به خصوص تجربه‌های تبعیض‌آمیز مربوط به طول زندگی، نقش مهمی در پیش‌بینی افسردگی، اضطراب و استرس زنان شرکت‌کننده دارد. یافته‌های پژوهش حاضر همسو با نتایج سایر پژوهش‌ها نشان داد که تبعیض جنسیتی به‌عنوان یک منبع استرس و اضطراب مختص زنان به‌صورت شایع در جامعه وجود دارد. با توجه به تأثیر نامطلوب تجربه‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی بر سلامت روان زنان، لازم است ضمن آگاه‌کردن زنان از میزان شیوع این رویدادها در زندگی‌شان، آموزش‌هایی در سطح گسترده و درازمدت برای کاهش تصورات قالبی آسیب‌رسان ارائه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در حیطه بهداشت روانی اقداماتی در جهت به‌کارگیری روش‌های مقابله‌ای کارآمد توسط زنان و در نتیجه کاهش یافتن این تجربه‌ها اجرا شود.

واژگان کلیدی

تبعیض جنسیتی، زن، سلامت روان، افسردگی، اضطراب، استرس

* نویسنده مسئول

مقدمه

تبعیض جنسیتی به درک و رفتار متفاوت با گروه‌های جنسیتی اطلاق می‌شود (بارون و همکاران، ۲۰۰۶). هدف تبعیض جنسیتی عمدتاً زنان هستند و آن‌ها بیش‌ترین آسیب را از تجربه‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی می‌بینند (سوئیم و همکاران، ۲۰۰۱؛ کلونوف و همکاران، ۲۰۰۰). منبع تبعیض جنسیتی به‌عنوان یک رویداد شایع می‌تواند دامنه‌ای گسترده از خانواده فرد تا افراد غریبه داشته باشد (کلونوف و لندرین، ۱۹۹۵؛ سوئیم و همکاران، ۲۰۰۱).

برندت (۲۰۱۱) با مطالعه طولی در ۵۷ کشور به این نتیجه دست یافت که هر چقدر تبعیض جنسیتی، که تک‌تک افراد در جامعه اعمال می‌کنند، بیش‌تر باشد، نابرابری جنسیتی در سلسله مراتب جامعه (مانند احراز شغل‌های مدیریتی و حرفه‌ای، حضور در پارلمان کشور و میزان درآمد) بیش‌تر دیده می‌شود.

گفته می‌شود در میزان تبعیض جنسیتی ادراک‌شده عواملی مانند آگاهی از تبعیض جنسیتی و حساسیت نسبت به این نوع تبعیض نقش دارند. به‌عبارت دیگر چنین عواملی می‌توانند در گزارش زنان از میزان تجربه تبعیض جنسیتی تأثیرگذار باشند (سوئیم و همکاران، ۲۰۰۱؛ استنگر و همکاران، ۱۹۹۹؛ اعظم‌زاده، ۱۳۸۴). بر اساس مطالعه استنگر و همکاران (۱۹۹۹) زنان ممکن است رخداد تبعیض جنسیتی را در محیط اطراف خود بیش‌تر یا کم‌تر از واقعیت ادراک کنند و این می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فردی در حساسیت زنان نسبت به تبعیض جنسیتی باشد.

پژوهشگران با بررسی انواع رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی گزارش‌شده توسط زنان، آن‌ها را در سه حوزه دسته‌بندی کرده‌اند: اظهارات تبعیض‌آمیز و پیش‌داوری مرتبط با تصورات قالبی نقش‌های جنسیتی سنتی، رفتار غیرمنصفانه و تحقیرآمیز و توجه جنسی ناخواسته و ناخوشایند یا ابزارنگری جنسی (کلونوف و لندرین، ۱۹۹۵؛ سوئیم و همکاران، ۲۰۰۱). گرچه زنان تمام این اشکال تبعیض جنسیتی را بیش‌تر از مردان تجربه می‌کنند، ولی بزرگ‌ترین تفاوت در تجربه ابزارنگری جنسی است که درباره مردان اگر هم وجود داشته باشد، به ندرت اتفاق می‌افتد (سوئیم و همکاران، ۲۰۰۱).

تبعیض جنسیتی صرفاً خصومت علیه زنان را شامل نمی‌شود، بلکه می‌تواند در ظاهر عطف‌آمیز باشد. گلیک و همکاران (۲۰۰۰) با مطرح کردن مفهوم نگرش دوسوگرایانه، بین



تبعیض جنسیتی خصمانه و تبعیض جنسیتی عطف‌آمیز تمایز فائل شدند. تبعیض جنسیتی خصمانه شامل یک دید منفی و خصومت‌آمیز نسبت به زنان، به‌عنوان تهدیدی برای جایگاه مردان است و تبعیض جنسیتی عطف‌آمیز معرف باورهای مربوط به تمایز مثبت درباره صفات ظریف‌تر زنان است به‌طوری که زن را موجودی لطیف و پاک توصیف می‌کند که برای تکامل مرد لازم است (گلیک و فیسک، ۲۰۰۱). در حقیقت تبعیض جنسیتی عطف‌آمیز به معنای تصور وجود تفاوت‌های جنسیتی قالبی است که حتی برخی به‌ظاهر به نفع زنان به نظر می‌رسد، ولی این شکل از تبعیض می‌تواند با اظهار اینکه صفات زنان آن‌ها را مناسب نقش‌هایی می‌کند که فرودست مردان هستند، باعث نگه‌داشتن زنان در نقش‌های زیردست شود (بارون و همکاران، ۲۰۰۶، به نقل از گلیک و همکاران ۲۰۰۰).

تجربیات تبعیض‌آمیز جنسیتی به‌قدری زندگی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد که وقتی از زنان درباره توصیف تجربیات زندگی‌شان به‌عنوان یک زن سؤال می‌شود، تقریباً در توصیفات همه آن‌ها موضوعات بسیاری مرتبط با تبعیض جنسیتی (چه خصمانه و چه عطف‌آمیز) دیده می‌شود (فیلدز و همکاران، ۲۰۱۰).

دلیل اهمیت شناخت انواع نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و مطالعه درباره تجربیات زنان در این زمینه، تأثیر منفی این تبعیض بر سلامت روان و کارایی زنان است. پژوهشگران زیادی این فرضیه را بررسی کرده‌اند که تبعیض جنسیتی می‌تواند به مقدار زیادی به قربانیان خود صدمه بزند (کلونوف و لندرین، ۱۹۹۵؛ سوئیم و همکاران، ۲۰۰۱؛ کلونوف و همکاران، ۲۰۰۰؛ برگ، ۲۰۰۶). رفتارهای تبعیض‌آمیز بر راحتی زنان تأثیر می‌گذارد و به افزایش اضطراب در زنان منجر می‌شود (سوئیم و همکاران، ۲۰۰۱). لندرین و همکاران (۱۹۹۵) نشان دادند که تبعیض جنسیتی خیلی بیش‌تر از محرک‌های استرس‌زای عام مسئول واریانس افزوده در نشانه‌های آسیب‌های روان‌شناختی زنان است. بر اساس نتایج مطالعه آن‌ها تبعیض جنسیتی ۴۶ درصد از واریانس افسردگی و ۴۴ درصد از واریانس نشانگان پیش‌قاعدگی را تبیین می‌کرد. آن‌ها با مقایسه محرک‌های استرس‌زای عام و تبعیض جنسیتی دریافتند که تبعیض جنسیتی پیش‌بین بهتری برای نشانه‌های به‌خصوصی مانند نشانگان پیش‌قاعدگی، اختلال بدنی‌سازی، وسواس بی‌اختیاری و افسردگی بود. در همین راستا کلونوف و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند زنانی که به‌ندرت رفتار تبعیض‌آمیز جنسیتی را تجربه کرده بودند، از نظر تعداد

نشانه‌های روان‌شناختی تفاوتی با مردان نداشتند در حالی که زنانی که سطوح بالای تبعیض جنسیتی را تجربه می‌کردند نشانه‌های روان‌شناختی بیش‌تری را نسبت به مردان دارا بودند. این نتایج حاکی از آن است که تفاوت جنسیتی در فراوانی برخی از نشانه‌های روان‌شناختی (مانند اختلال افسردگی، اضطراب، بدنی‌سازی، وسواس بی‌اختیاری و حساسیت بین‌فردی) را می‌توان به وجود استرس‌های مختص زنان نسبت داد.

در کشور ما نیز زنان در بخش‌های مختلف از جمله آموزش، استخدام، بهداشت، تغذیه، سیاست، زندگی خانوادگی و آزادی‌های فردی و اجتماعی با تبعیض‌های گوناگون مواجه می‌شوند و این موضوع باعث شده است زنان در مقایسه با مردان از فرصت کم‌تری برای توسعه و پیشرفت خود و اجتماع بهره‌مند شوند (شجاعی و همکاران، ۱۳۸۷).

شواهد پژوهشی در ایران نشان می‌دهد که ادراک زنان از رعایت عدالت در بسیاری از حوزه‌ها، بر پایه تبعیض شکل گرفته است (نبوی و احمدی، ۱۳۸۶؛ گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۵). نتایج مطالعه احمدی و گروسی (۱۳۸۳) که عوامل تأثیرگذار اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی را بررسی کرده است، از وجود نابرابری جنسیتی به‌گونه‌ای محسوس در خانواده، در حوزه‌هایی مانند قدرت تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماعی و مالکیت اقتصادی خبر داد. بر اساس نتایج این مطالعه سطح تحصیلات زن و مرد، شمار اعضای خانواده، ایدئولوژی مردسالاری، ایفای نقش جنسیتی و تصورات قالبی جنسیتی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نابرابری جنسیتی در خانواده بودند.

شواهد متعدد حاکی از آن است که احساس تبعیض می‌تواند به واکنش‌های خلقی منفی و حتی کاهش سلامت عمومی منجر شود (گل‌پرور و جوادی ۱۳۸۵؛ گل‌پرور و همکاران ۱۳۸۶؛ گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۵). گل‌پرور و همکاران (۱۳۸۶) نشان دادند که بین سلامت عمومی و شاخص‌های آن (بدنی‌سازی، اضطراب، نارسایی در عملکرد اجتماعی و افسردگی) و باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران رابطه منفی وجود دارد. به‌عبارت دیگر احساس وجود بی‌عدالتی و تبعیض با سلامت روانی افراد رابطه عکس داشت.

نکته حائز اهمیت این که بیش‌تر پژوهش‌های انجام شده در حوزه تبعیض جنسیتی در کشور ما مربوط به پژوهش‌های جامعه‌شناختی بوده‌اند و از نظر روان‌شناختی کم‌تر به این موضوع توجه شده است. علاوه بر این ابزاری که در این پژوهش‌ها استفاده شده است، یا این



موضوع را به شکل کلی در نظر گرفته‌اند یا در حیطه خاصی (مثل خانواده یا محیط کار) به آن توجه کرده‌اند. نظر به اینکه ابزاری وجود نداشت که میزان تبعیض جنسیتی ادراک شده را در حوزه‌های مختلف بسنجد، با به‌کارگیری پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی^۱ (کلونوف و لندرین، ۱۹۹۵) به‌عنوان ابزاری مناسب و کارآمد، در این پژوهش تلاش شد این محدودیت‌ها به حداقل برسند. پژوهش حاضر ضمن بررسی میزان بروز و ماهیت تبعیض جنسیتی در کشور، در پی بررسی تأثیر این تبعیض بر سلامت روان زنان است.

روش پژوهش

نمونه مطالعه حاضر شامل ۱۰۳ نفر از کاربران زن اینترنت با دامنه سنی ۱۹ الی ۴۶ سال ($M=27.39$, $SD=4.53$) بود. سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان ۵۰/۵٪ فوق لیسانس و بالاتر، ۴۳/۷٪ لیسانس، ۱٪ فوق دیپلم، ۳/۹٪ دیپلم و ۱٪ زیر دیپلم بود. همچنین ۸۳/۳٪ از شرکت‌کنندگان شاغل و بقیه غیرشاغل بودند.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی:

پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی (کلونوف و لندرین، ۱۹۹۵) ترجمه شد و بعد از تأیید روایی و پایایی، از آن به‌عنوان ابزار اصلی در این پژوهش استفاده شد. این مقیاس یک پرسشنامه خودسنجی و دربرگیرنده ۲۰ ماده است که در مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای (۱=رویداد هرگز اتفاق نیفتاده است، ۶=رویداد تقریباً همیشه اتفاق افتاده است) پاسخ داده می‌شود. هر ماده در پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی (SSE) دو بار پاسخ داده می‌شود، یک بار برای ارزیابی میزان رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی در طی زندگی، و یک بار دیگر برای ارزیابی میزان رویدادها در سال گذشته. این دو نوع داده به‌عنوان دو مقیاس از این پرسشنامه به‌صورت مجزا در نظر گرفته شده‌اند. بر اساس تحلیل عاملی که بر روی پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط ۱۵۰ دانشجوی دختر دانشگاه زنجان انجام شد، سؤالات این

پرسشنامه، فراوانی رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی تجربه‌شده توسط زنان را در ۴ حیطه تحقیر تبعیض‌آمیز جنسی، تبعیض جنسیتی در روابط دور، تبعیض جنسیتی در روابط نزدیک و پیامدهای آن و تبعیض جنسیتی در محیط کار ارزیابی می‌کنند. از مزایای این پرسشنامه این است که اولاً بخش‌ها و افراد مختلفی از اجتماع را که زنان به‌صورت روزمره با آن‌ها در ارتباط هستند (مانند خانواده، مدرسه، دانشگاه، محل کار، کارکنان مشاغل خدماتی، غریبه‌ها و...) در نظر گرفته و از تبعیض جنسیتی از جانب آن‌ها سؤال می‌کند. ثانیاً موقعیت‌ها و شرایطی را مطرح می‌کند که نوعی تبعیض جنسیتی را دربردارند (عدم احترام، شوخی‌های تبعیض‌آمیز، مزاحمت جنسی و...). علاوه بر این نگاهی نیز به واکنش‌های رفتاری و هیجانی ناشی از مواجه شدن با تبعیض جنسیتی (مانند شکایت از عامل تبعیض، جر و بحث، خشم و...) دارد. بنابراین، با به‌کارگیری این پرسشنامه در پژوهش حاضر می‌توان با بررسی موقعیت‌ها و حیطه‌هایی که زنان در آن‌ها تبعیض بیش‌تری را احساس می‌کنند، به شناخت بهتری از میزان بروز و ماهیت این آسیب اجتماعی در جامعه دست یافت و در جهت یافتن راه‌هایی برای کاستن آن تلاش کرد.

بر اساس گزارش کلونوف و لندرین (۱۹۹۵) دو مقیاس طول زندگی و سال گذشته از ثبات درونی بالا (به ترتیب ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و ۰/۹۰) و پایایی بالایی که به روش دونیمه‌کردن به‌دست آمده (۲ به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۳) بهره‌مند بودند. پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای مقیاس طول زندگی و ۰/۹۵ برای مقیاس سال گذشته به‌دست آمد.

مقیاس DASS-۲۱ (مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس)

فرم کوتاه مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (لاویبوند و لاویبوند، ۱۹۹۵) ۲۱ عبارت دارد که هر یک از سازه‌های روانی افسردگی، اضطراب و استرس را با ۷ عبارت متفاوت ارزیابی می‌کند. روایی این پرسشنامه با توجه به همبستگی بالا با مقیاس افسردگی بک تأیید شد (لاویبوند و لاویبوند، ۱۹۹۵؛ آنتونی و همکاران، ۱۹۹۸). کرافورد و هنری (۲۰۰۵) نیز این ابزار را با دو ابزار دیگر مربوط به افسردگی و اضطراب مقایسه و پایایی این ابزار را با توجه به



آلفای کرونباخ ۰/۹۵ برای افسردگی، ۰/۹۰ برای اضطراب و ۰/۹۳ برای استرس و ۰/۹۷ برای کل نمرات تأیید کردند. مرادی پناه، صاحبی و عاقبتی (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ ۰/۹۴ را برای افسردگی، ۰/۹۲ را برای اضطراب و ۰/۸۲ را برای استرس گزارش کرده‌اند. عبارات این پرسشنامه در مقیاس ۴ درجه‌ای (هیچ‌وقت تا همیشه) رتبه‌بندی شده است و نمره‌گذاری از صفر تا ۳ برای عبارات انجام می‌شود. مجموع نمرات گویه‌های مربوط به هر یک از سازه‌ها محاسبه می‌شود و نمره کل به دست می‌آید.

شیوه اجرا و گردآوری داده‌ها

پرسشنامه رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی و مقیاس DASS با استفاده از سرویس Google Documents بر روی وب قرار داده شد. ۱۰۳ زن به‌طور تصادفی به این پرسشنامه‌ها پاسخ دادند و پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط شرکت‌کنندگان از طریق حساب کاربری گوگل در دسترس قرار گرفت و بعد از نمره‌گذاری با استفاده از آزمون‌های آماری (همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون) تحلیل شد.

یافته‌های پژوهشی

داده‌های توصیفی

گزارش زنان از تجربه تبعیض جنسیتی در طول زندگی، وجود تبعیض گسترده در جامعه را نشان می‌دهد. ۹۸٪ از زنان شرکت‌کننده شنیدن شوخی‌های تبعیض آمیز را در طول زندگی خود گزارش کردند، ۹۷٪، از رفتار تبعیض آمیز دیگران عصبانی شده‌اند و ۹۲٪ در طول زندگی خود با عناوین تبعیض آمیز مورد خطاب قرار گرفته‌اند. در هر کدام از این ۳ دسته، ۳۰٪ از زنان، رویداد این نوع تبعیض را «تقریباً همیشه» گزارش کرده‌اند. ۹۵٪، تبعیض از طرف غریبه‌ها را تجربه کرده‌اند، ۹۲٪ از زنان نمونه با فرد مسئول رفتار تبعیض آمیز جروبحث یا دعوا کرده‌اند، ۹۲٪، افراد را به‌خاطر رفتار تبعیض آمیزشان از خود رانده‌اند، ۹۱٪، مزاحمت‌های جنسی را تجربه کرده‌اند، ۸۹٪ به‌خاطر زن بودنشان مورد بی‌احترامی دیگران قرار گرفته‌اند، بیش از ۸۳٪ به‌خاطر زن بودنشان مورد تهدید یا صدمه جسمی قرار گرفته‌اند و ۸۲٪ نیز تبعیض را از طرف کارکنان مشاغل خدماتی گزارش کرده‌اند. ۱۰۰٪ شرکت‌کنندگان اعتقاد

داشتند که در صورت نبود رفتار تبعیض آمیز با آن‌ها در طول زندگی، زندگی آن‌ها با حالا متفاوت بود (جدول ۱ را ببینید).

همچنین زنان شرکت‌کننده در این مطالعه تجربه‌های تبعیض آمیز جنسیتی بسیاری مربوط به یک سال گذشته را گزارش کرده‌اند. در طی سال گذشته بیش از ۹۱٪ زنان شوخی‌های تبعیض آمیز از دیگران شنیده‌اند، ۸۷٪ از رفتار تبعیض آمیز دیگران عصبانی شده‌اند، ۸۴٪ تبعیض از طرف غریبه‌ها را تجربه کرده‌اند، ۸۰٪ با فرد مسئول رفتار تبعیض آمیز جروبحث یا دعوا کرده‌اند، ۷۹٪ با عنوان تبعیض آمیز مورد خطاب قرار گرفته‌اند و ۷۷٪ افراد را به خاطر رفتار تبعیض آمیزشان از خود رانده‌اند. بیش از ۹۲٪ از زنان معتقد بودند که در صورت نبود رفتار تبعیض آمیز با آن‌ها در یک سال گذشته، زندگی آن‌ها با حالا متفاوت بود (جدول ۲ را ببینید).

جدول ۱: درصد پاسخ‌گویی شرکت‌کنندگان به مواد پرسشنامه‌ی رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی (طول زندگی)

شماره ماده	موضوع ماده	هرگز (۱)	تا ۱۰٪ اوقات (۲)	۱۰ تا ۲۵٪ اوقات (۳)	۲۶ تا ۴۹٪ اوقات (۴)	۵۰ تا ۷۰٪ اوقات (۵)	بیشتر از ۷۰٪ اوقات (۶)	پاسخ نداده	اتفاق افتاده است (ستون اول و آخر - ۱۰۰٪)
۱	تبعیض از طرف معلمان	۳۱/۱	۲۷/۲	۲۶/۲	۹/۷	۲/۹	۲/۹	-	۶۸/۷
۲	تبعیض از طرف رئیس	۳۳	۱۸/۴	۱۴/۶	۱۱/۷	۱۳/۶	۴/۹	۳/۹	۶۳/۱
۳	تبعیض از طرف همکاران	۲۵/۲	۲۹/۱	۱۷/۵	۱۴/۶	۶/۸	۵/۸	۱	۷۳/۸
۴	تبعیض از طرف کارکنان مشاغل خدماتی	۱۷/۵	۱۹/۴	۱۹/۴	۲۱/۴	۱۳/۶	۸/۷	-	۸۲/۵
۵	تبعیض از طرف غریبه‌ها	۴/۹	۱۲/۶	۱۸/۴	۲۴/۳	۱۸/۴	۲۱/۴	-	۹۵/۱
۶	تبعیض از طرف کارکنان مشاغل کمک‌رسان	۳۵/۹	۳۴	۱۳/۶	۶/۸	۶/۸	۲/۹	-	۶۴/۱
۷	تبعیض از طرف همسایه‌ها	۳۱/۱	۲۸/۲	۱۴/۶	۹/۷	۱۱/۷	۴/۹	-	۶۸/۹
۸	تبعیض از طرف همسر	۲۰/۴	۲۲/۳	۱۳/۶	۱۷/۵	۱۰/۷	۱۵/۵	-	۷۹/۶
۹	محرومیت از استحقاقات شغلی	۲۸/۲	۲۲/۳	۱۸/۴	۸/۷	۴/۹	۱۷/۵	-	۷۱/۸
۱۰	تبعیض از طرف خانواده	۲۰/۴	۱۸/۴	۱۹/۴	۱۱/۷	۱۸/۴	۱۱/۷	-	۷۹/۶
۱۱	مزااحمت جنسی	۸/۷	۱۴/۶	۱۲/۶	۲۶/۲	۱۸/۴	۱۹/۴	-	۹۱/۳
۱۲	عدم احترام	۱۰/۷	۲۶/۲	۲۲/۳	۱۲/۶	۱۵/۵	۱۲/۶	-	۸۹/۳
۱۳	راندن افراد مسئول تبعیض از خود	۷/۸	۱۸/۴	۲۲/۳	۲۲/۳	۱۸/۴	۱۰/۷	-	۹۲/۲
۱۴	عصبانیت از رفتار تبعیض آمیز	۲/۹	۱۰/۷	۱۵/۵	۲۰/۴	۲۰/۴	۳۰/۱	-	۹۷/۱
۱۵	قدم‌های جدی در برابر تبعیض (مثل شکایت، ترک شغل)	۴۷/۶	۲۶/۲	۱۰/۷	۷/۸	۴/۹	۱/۹	۱	۵۱/۴
۱۶	عنوان تبعیض آمیز	۷/۸	۱۱/۷	۱۸/۴	۱۲/۶	۲۰/۴	۲۹/۱	-	۹۲/۲
۱۷	جروبحث با فرد مسول تبعیض	۷/۸	۱۵/۵	۲۶/۲	۱۷/۵	۲۳/۳	۹/۷	-	۹۲/۲
۱۸	تهدید و صدمه	۱۶/۵	۲۹/۱	۲۰/۴	۱۲/۶	۱۵/۵	۵/۸	-	۸۳/۵
۱۹	شوخی‌های تبعیض آمیز	۱/۹	۹/۷	۱۶/۵	۲۲/۳	۲۰/۴	۲۹/۱	-	۹۸/۱
۲۰	تأثیر کلی	۰	۷/۸	۲۵/۲	۲۹/۱	۱۴/۶	۲۳/۳	-	۱۰۰



جدول ۲: درصد پاسخ‌گویی شرکت‌کنندگان به مواد پرسشنامه رویدادهای تبعیض آمیز جنسیتی (سال گذشته)

شماره ماده	موضوع ماده	هرگز (۱)	تا ۱۰٪ (۲)	تا ۲۵٪ (۳)	تا ۴۹٪ (۴)	تا ۷۰٪ (۵)	بیشتر از ۷۰٪ (۶)	پاسخ (ستون اول و آخر - ۱۰۰٪)	اتفاق افتاده است
۱	تبعیض از طرف معلمان	۵۳/۴	۲۷/۲	۸۷	۳/۹	۲/۹	۳/۹	-	۴۶/۶
۲	تبعیض از طرف رئیس	۵۷/۳	۱۴/۶	۵/۸	۶/۸	۷/۸	۷/۸	-	۵۲/۷
۳	تبعیض از طرف همکاران	۴۹/۵	۲۰/۴	۵/۸	۱۳/۶	۶/۸	۳/۹	-	۵۰/۵
۴	تبعیض از طرف کارکنان مشاغل خدماتی	۲۹/۱	۲۲/۳	۲۰/۴	۱۳/۶	۱۰/۷	۳/۹	-	۷۱/۹
۵	تبعیض از طرف غریبه‌ها	۱۵/۵	۱۷/۵	۱۵/۵	۲۵/۲	۱۴/۶	۱۱/۷	-	۸۴/۵
۶	تبعیض از طرف کارکنان مشاغل کمک‌رسان	۵۳/۴	۲۹/۱	۴/۹	۷/۸	۳/۹	۱	-	۴۶/۶
۷	تبعیض از طرف همسایه‌ها	۵۰/۵	۲۰/۴	۱۴/۶	۳/۹	۷/۸	۲/۹	-	۴۹/۵
۸	تبعیض از طرف همسر	۴۱/۷	۲۰/۴	۹/۷	۱۰/۷	۵/۸	۱۱/۷	-	۵۸/۳
۹	محرومیت از استحقاقات شغلی	۳۹/۸	۲۴/۳	۱۰/۷	۴/۹	۶/۸	۱۳/۶	-	۶۰/۲
۱۰	تبعیض از طرف خانواده	۳۶/۹	۲۴/۳	۱۱/۷	۷/۸	۱۰/۷	۸/۷	-	۶۳/۱
۱۱	مزااحمت جنسی	۲۳/۳	۱۷/۵	۱۱/۷	۱۶/۵	۱۴/۶	۱۶/۵	-	۷۶/۷
۱۲	عدم احترام	۳۴	۱۹/۴	۱۳/۶	۱۵/۵	۱۰/۷	۶/۸	-	۶۶
۱۳	راندن افراد مسئول تبعیض از خود	۲۲/۳	۲۱/۴	۱۷/۵	۱۷/۵	۱۲/۶	۸/۷	-	۷۷/۷
۱۴	عصبانیت از رفتار تبعیض‌آمیز دیگران	۱۲/۶	۱۲/۶	۱۵/۵	۱۸/۴	۱۷/۵	۲۳/۳	-	۸۷/۴
۱۵	قدم‌های جدی در برابر تبعیض (مثل شکایت، ترک شغل)	۶۸	۱۴/۶	۶/۸	۵/۸	۳/۹	۱	-	۳۲
۱۶	عناوین تبعیض‌آمیز	۲۰/۴	۱۸/۴	۱۳/۶	۷/۸	۱۳/۶	۲۶/۲	-	۷۹/۶
۱۷	جروبحث با فرد مسول تبعیض	۱۹/۴	۲۴/۳	۲۲/۳	۱۶/۵	۱۰/۷	۶/۸	-	۸۰/۶
۱۸	تهدید و صدمه	۴۳/۷	۲۴/۳	۱۰/۷	۹/۷	۷/۸	۳/۹	-	۵۶/۳
۱۹	شوخی‌های تبعیض‌آمیز	۸/۷	۱۷/۵	۱۲/۶	۱۷/۵	۱۷/۵	۲۶/۲	-	۹۱/۳
۲۰	تأثیر کلی	۷/۸	۱۶/۵	۲۴/۳	۲۲/۳	۱۵/۵	۱۳/۶	-	۹۲/۲

جدول ۳ ضرایب همبستگی پیرسون را بین نمرات SSE (طول زندگی و SSE سال گذشته) و نمرات مقیاس‌های پرسشنامه DASS (افسردگی، اضطراب و استرس) نشان می‌دهد. با توجه به ضرایب همبستگی می‌بینیم که بین تبعیض جنسیتی ادراک شده (در طول زندگی و سال گذشته) و افسردگی، اضطراب و استرس همبستگی معنادار مثبت وجود دارد. این

همبستگی درباره تبعیض جنسیتی ادراک شده در طول زندگی و متغیرهای مربوط به سلامت روان قوی تر است.

جدول ۳: ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	SSE طول زندگی	SSE سال گذشته	افسردگی	اضطراب	استرس
SSE طول زندگی	-	** ۰/۸۴۶	** ۰/۴۰۳	** ۰/۴۳۴	** ۰/۴۵۹
SSE سال گذشته	-	-	** ۰/۳۰۶	** ۰/۳۶۲	** ۰/۳۸۳
افسردگی	-	-	-	** ۰/۶۲۸	** ۰/۷۶۷
اضطراب	-	-	-	-	** ۰/۶۹۵
استرس	-	-	-	-	-

** ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

همان طور که جدول ۴ نشان می دهد، نمرات تمام زیرمقیاس های SSE نیز با زیرمقیاس های DASS همبستگی معناداری دارند. قوی ترین همبستگی ها مربوط به استرس و تبعیض جنسیتی در روابط دور ($r = ۰/۴۱, P < ۰/۰۱$) و استرس و تبعیض جنسیتی در روابط نزدیک و پیامدهای تبعیض ($r = ۰/۴۰, P < ۰/۰۱$) است.

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین زیر مقیاس های SSE و زیر مقیاس های DASS

متغیرها	افسردگی	اضطراب	استرس
حیطه اول تبعیض / SSE طول زندگی	** ۰/۲۵۰	** ۰/۳۲۷	** ۰/۳۳۵
حیطه دوم تبعیض / SSE طول زندگی	** ۰/۳۷۵	** ۰/۳۶۰	** ۰/۴۱۵
حیطه سوم تبعیض / SSE طول زندگی	** ۰/۳۹۱	** ۰/۳۵۸	** ۰/۴۰۴
حیطه چهارم تبعیض / SSE طول زندگی	** ۰/۲۷۵	** ۰/۳۰۳	** ۰/۳۰۱
حیطه اول تبعیض / SSE سال گذشته	** ۰/۲۰۴	** ۰/۲۳۸	** ۰/۲۷۵
حیطه دوم تبعیض / SSE سال گذشته	** ۰/۳۱۷	** ۰/۲۴۷	** ۰/۲۸۰
حیطه سوم تبعیض / SSE سال گذشته	** ۰/۳۰۲	** ۰/۲۷۸	** ۰/۲۸۲
حیطه چهارم تبعیض / SSE سال گذشته	** ۰/۲۲۴	** ۰/۲۰۳	** ۰/۲۶۹

- حیطه اول تبعیض جنسیتی: تحقیر (مزاحمت جنسی)؛ حیطه دوم تبعیض جنسیتی:



تبعیض در روابط دور؛ حیطة سوم تبعیض جنسیتی: روابط نزدیک و پیامدهای تبعیض؛ حیطة چهارم تبعیض جنسیتی: تبعیض در محیط کار
*ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

برای تعیین میزان نقش تبعیض جنسیتی ادراک شده (طول زندگی و سال گذشته) در تبیین واریانس افسردگی، اضطراب و استرس تحلیل رگرسیون خطی انجام شد که نتایج آن در جداول ۵ و ۶ مشاهده می‌شوند. در خصوص نتایج تحلیل رگرسیون همان‌طور که جدول ۵ نشان می‌دهد میزان ۱۶ درصد از واریانس مربوط به افسردگی، حدود ۱۹ درصد از واریانس مربوط به اضطراب و ۲۱ درصد از واریانس مربوط به استرس توسط تبعیض جنسیتی ادراک شده در طول زندگی تبیین می‌شود. در صورت در نظر گرفتن تبعیض جنسیتی ادراک شده در سال گذشته ۹ درصد از واریانس افسردگی، ۱۳ درصد از واریانس اضطراب و ۱۴ درصد از واریانس استرس توسط این تجربه تبیین پذیر خواهد بود.

جدول ۵: تحلیل‌های رگرسیون خطی بین متغیرهای تبعیض جنسیتی ادراک شده با افسردگی، اضطراب و استرس

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	R	R ²	تراز شده R ²	خطای استاندارد برآورد
افسردگی	SSE طول زندگی	۰/۴۰۳	۰/۱۶۲	۰/۱۵۴	۵/۱۱۲
	SSE سال گذشته	۰/۳۰۶	۰/۰۹۳	۰/۰۸۵	۵/۳۱۷
اضطراب	SSE طول زندگی	۰/۴۳۴	۰/۱۸۹	۰/۱۸۱	۴/۴۳۸
	SSE سال گذشته	۰/۳۶۲	۰/۱۳۱	۰/۱۲۳	۴/۵۹۲
استرس	SSE طول زندگی	۰/۴۵۹	۰/۲۱۰	۰/۲۰۳	۴/۶۹۴
	SSE سال گذشته	۰/۳۸۳	۰/۱۴۷	۰/۱۳۸	۴/۸۸۰

جدول ۶ ضرایب معادله رگرسیون برای پیش‌بینی افسردگی، اضطراب و استرس توسط تبعیض جنسیتی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: ضرایب معادله رگرسیون

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	
		B	خطای استاندارد	بتا	T
افسردگی	طول زندگی SSE	۰/۱۱۹	۰/۰۲۷	۰/۴۰۳	۴/۴۲۰
	سال گذشته SSE	۰/۰۸۲	۰/۰۲۶	۰/۳۰۶	۳/۲۲۸
اضطراب	طول زندگی SSE	۰/۱۱۴	۰/۰۲۳	۰/۴۳۴	۴/۸۴۸
	سال گذشته SSE	۰/۰۸۶	۰/۰۲۲	۰/۳۶۲	۳/۹۰۸
استرس	طول زندگی SSE	۰/۱۲۹	۰/۰۲۵	۰/۴۵۹	۵/۱۸۸
	سال گذشته SSE	۰/۰۹۸	۰/۰۲۳	۰/۳۸۳	۴/۱۶۴

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تبعیض جنسیتی به‌عنوان یک منبع استرس شایع در جامعه وجود دارد و این منبع استرس صدمات زیادی را به سلامت روان زنان وارد می‌کند. پاسخ‌های داده‌شده به پرسشنامه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی توسط شرکت‌کنندگان نشان داد تمام زنان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، نوعی رفتار تبعیض‌آمیز جنسیتی را در طول زندگی خود و همچنین در طول سال گذشته تجربه کرده‌اند. زنان انواع مختلف رفتارهای تبعیض‌آمیز را از طرف قشرهای مختلف (از خانواده تا غریبه‌ها) تجربه می‌کنند و عدم رضایت آن‌ها از وجود چنین رفتارهایی در جامعه کاملاً آشکار است. این یافته با نتایج پژوهش‌های دیگر (کلونوف و لندرین ۱۹۹۵؛ سوئیم و همکاران ۲۰۰۱؛ برگ ۲۰۰۶) مطابقت دارد.

یافته‌های توصیفی پژوهش حاضر نکات بسیار تأمل‌پذیری را دربردارد چرا که وجود گسترده نگرش‌ها و رفتارهایی را در جامعه تأیید می‌کند که شاید تبیین‌کننده آسیب‌های روانی ناشی از تبعیض جنسیتی باشند. ۶۴ درصد از زنان شرکت‌کننده در این پژوهش مزاحمت جنسی نسبت به خود را در طی زندگی زیاد تا همیشه گزارش کرده‌اند و تقریباً نیمی از زنان نیز این میزان مزاحمت جنسی را در سال گذشته گزارش کرده‌اند. علاوه بر این ۳۴ درصد از زنان به این سؤال که «چند بار در طول زندگی خود به خاطر زن بودن مورد تمسخر، تحت فشار یا تهدید همراه با آزار جسمی قرار گرفته اید؟» پاسخ زیاد، اکثر اوقات یا همیشه داده‌اند و ۶۱/۲ درصد نیز شنیدن شوخی‌های تبعیض‌آمیز یا تحقیرآمیز (از نظر جنسی) را به این میزان



گزارش کرده‌اند. همچنین ۴۰ درصد زنان اکثر اوقات یا همیشه القاب تحقیرآمیزی شنیده‌اند که برای موردخطاب قرارداد آن‌ها استفاده می‌شوند. این آمار تا حد زیادی نگران‌کننده است چرا که صدمات ناشی از مزاحمت‌های جنسی از هر نوع بر هیچ‌کس پوشیده نیست. افزایش اضطراب و افسردگی، استرس حاد، همچنین کاهش عزت‌نفس، اعتمادبه‌نفس و بهزیستی روانی از چنین صدماتی به شمار می‌روند (ولش، ۱۹۹۹؛ ویلنس و همکاران، ۲۰۰۷). شاید در جامعه‌ای که انتظار می‌رود ارزش‌های دینی و آموزه‌های مذهبی جایگاه ویژه‌ای دارند، این صدمات بیش‌تر و احساس نامنی ناشی از آن‌ها بسیار آسیب‌زاتر باشد. احساس ناامنی و ترس ناشی از وجود گسترده نگرشی چون ابزارنگری نسبت به زنان، شخصیت و سلامت روان آن‌ها را به‌طور جدی تهدید می‌کند. اکثر زنان به دلیل ترس از عواقب آن به این‌گونه رفتارها واکنشی نشان نمی‌دهند و حتی رخداد آن‌ها را پنهان می‌کنند که این مسئله از طرفی به دوام این رفتارها و از طرف دیگر به دوام آسیب‌های ناشی از آن‌ها دامن می‌زند. علاوه بر این، احساس ناامنی‌ای که تجربه این‌گونه نگرش‌ها و رفتارها در پی دارد می‌تواند به‌راحتی عملکرد زنان را در حوزه‌های مختلف در اجتماع و در محیط کار تحت‌تأثیر قرار دهد و باعث شود زنان نتوانند از توانمندی‌های خود به نحو احسن استفاده کنند.

مورد تأمل برانگیز دیگر در گزارش زنان از واکنش‌هایشان به رفتارهای تبعیض‌آمیز که در پرسشنامه SSE بررسی شده این است که اکثر آن‌ها (۹۷٪) عصبانیت و خشم را در برابر چنین رفتارهایی تجربه می‌کنند؛ مشخص‌تر اینکه ۷۰/۵ درصد از این افراد به میزان زیاد، اکثر اوقات یا همیشه تجربه این هیجان‌ها را در طی زندگی خود در برابر تبعیض جنسیتی گزارش کرده‌اند. بر اساس مطالعه سوئیم و همکاران (۲۰۰۱)، خشم منبع مهمی است که در آسیب‌های روانی ناشی از تبعیض جنسیتی نقش دارد. آن‌ها نشان دادند که ۷۵٪ از رویدادهای تبعیض‌آمیز گزارش شده توسط شرکت‌کنندگان منجر به خشم شده بود و هر قدر زنان تبعیض جنسیتی بیش‌تری را تجربه کرده بودند، احساس خشم بیش‌تری داشتند. پژوهش گل‌پرور و همکاران (۱۳۸۸) نیز نشان داد بین باور به دنیای عادلانه و خشم و خصومت رابطه معنادار منفی وجود دارد؛ به عبارت دیگر باور به وجود تبعیض با خشم و خصومت بیش‌تر رابطه داشت. با توجه به تأثیرات نامطلوبی که تبعیض جنسیتی بر سلامت روان افراد دارد، به‌نظر می‌رسد به‌کارگیری راهبردهایی در جهت کاهش این رفتارها و اثرات نامطلوب آن‌ها ضروری است. در

درجه اول زنان باید از میزان شیوع تبعیض جنسیتی در زندگی شخصی خود آگاه باشند؛ چرا که ناآگاهی از این امر به درون‌سازی تبعیض و توجه نکردن به آن انجامیده و با عدم مقابله زنان به دوام آسیب‌های ناشی از آن دامن می‌زند (بکر و سوئیم، ۲۰۱۱). قدم بعدی می‌تواند ارائه آموزش‌هایی در جهت کاهش تصوراتی قالبی باشد که باعث می‌شوند زنان همواره در معرض پیش‌داوری و رفتارهای تبعیض‌آمیز قرار داشته باشند که از رسیدن آن‌ها به جایگاه‌های اجتماعی بالا جلوگیری می‌کند. این آموزش‌ها باید با هدف فرهنگ‌سازی و تأثیر درازمدت در جامعه به صورت مداوم در سطح خانواده، مدرسه و رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون انجام شوند. حمایت کم‌تر از اندیشه‌های تبعیض‌آمیز با بالا بودن سطح سلامت، ثروت و تحصیلات در جامعه رابطه دارد (نپیر و همکاران، ۲۰۱۰).

از طرف دیگر از آنجا که اثربخشی پاسخ‌های مقابله‌ای در برابر تبعیض جنسیتی در کاهش میزان بروز رفتارهای تبعیض‌آمیز و نیز در کاهش اثرات نامطلوب آن تأیید شده است (کیسر و میلر، ۲۰۰۴؛ آیرس و همکاران، ۲۰۰۹)، پیشنهاد می‌شود استفاده از چنین پاسخ‌هایی به زنان آموزش داده شود. مورد سؤال قرار دادن فرد مسئول رفتار تبعیض‌آمیز؛ پاسخ‌های مستقیم کلامی؛ و پاسخ‌های مستقیم غیرکلامی - شامل رفتارهایی مثل تکان دادن سر، نگاه‌های خشمگین و ابراز ناراحتی و رنج - از انواع پاسخ‌های مقابله‌ای کارآمد به‌شمار می‌روند (هایرس، ۲۰۰۷).

در نهایت این نکته باید مدنظر قرارگیرد که پژوهش حاضر نیز مانند تمام پژوهش‌ها محدودیت‌هایی داشت. محدودیت اصلی مربوط به نمونه پژوهش حاضر بود؛ گرچه جامعه کابران اینترنت افرادی از گروه‌های متفاوت از نظر سن، تحصیلات، منطقه و قومیت را دربرمی‌گیرد، ولی بیش‌تر افرادی که به پرسشنامه ما پاسخ داده‌اند دارای تحصیلات بالا و البته شاغل هستند که این امر در تعمیم نتایج این پژوهش به جامعه زنان محدودیت ایجاد می‌کند. البته این نکته شایان‌ذکر است که مطالعه بر روی دانشجویان دانشگاه نیز نتایجی مشابه نتایج پژوهش حاضر داشت که گزارش آن در دست تألیف است. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی تجربیات تبعیض جنسیتی زنان در گروه‌هایی متفاوت‌تر از لحاظ سن، تحصیلات و قومیت بررسی شود.

با توجه به نتایج مطالعه حاضر مبنی بر آگاه بودن زنان به مسئله تبعیض جنسیتی و فقدان



رضایت آن‌ها از وجود نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز در جامعه و نظر به اینکه جامعه به آسیب‌های وارد شده به زنان از انواع تبعیض‌ها بی‌توجهی کرده است، بر لزوم مطالعهٔ بیش‌تر در این زمینه تأکید می‌شود.

منابع

- احمدی، حبیب و گروسی، سعیده (۱۳۸۳). بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در خانواده‌های شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن. *مطالعات زنان*، ۶، ۵-۳.
- اعظم آزاده، منصوره (۱۳۸۴). آگاهی از نابرابری های جنسیتی: مدلی برای سنجش میزان شناخت از نابرابری های جنسیتی، نشریه زن در توسعه و سیاست، «تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۲ (علمی-پژوهشی ۲۴، صفحه از ۵۱ تا ۷۴).
- بارون، آر. بیرن، دی و برنسکامپ، تی (۱۳۸۸). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه یوسف کریمی. تهران: روان.
- شجاعی، نصرت، آسایش، حسین و کوسمسو، کی. (۱۳۸۷). آسیب‌شناسی وضع زنان ایران پس از گذشت سی سال از انقلاب اسلامی. *همایش ملی سی سال انقلاب اسلامی؛ دستاوردها، آسیب‌ها و فرصت‌ها*. تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
- گل پرور، محسن، کامکار، منوچهر و جوادی سارا (۱۳۸۶). رابطه باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با سلامت عمومی، رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و افکار خودکار. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، ۳۱، ۳۹-۶۸.
- گل پرور، محسن و جوادی سارا. (۱۳۸۵). الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخص‌های بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری. *اصول بهداشت روانی*، ۳۱ و ۳۲، ۱۲۲-۱۰۹.
- گل پرور، محسن و عریضی، حمیدرضا (۱۳۸۵). مقایسه نگرش زنان و مردان اصفهانی نسبت به دنیای عادلانه برای زنان و مردان. *پژوهش زنان*، ۴، ۹۵-۱۱۴.
- گل پرور، محسن، خاکسار، سرور و خیاطان، فلور. (۱۳۸۸). رابطه بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با پرخاشگری. *روان‌شناسان ایرانی*، ۱۸، ۱۳۷-۱۲۷.
- نبوی، عبدالحسین و احمدی، لایلا (۱۳۸۶). بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۸، ۸۲-۵۹.
- Antony, MM, Bieling, P, J, Cox, B.!, Enns, MW,. & Swinson, RP. (1998). Psychometric properties of the 42 - Item and 21 - Item version of the depression anxiety stress scale in clinical groups and a community sample. *Psychological Assessment*, 2: 176-181.



- Ayres, M. M., Friedman, C. K., & Leaper, C. (2009). Individual and Situational Factors Related to Young Women's Likelihood of Confronting Sexism in Their Everyday Lives. *Sex Roles*, 614, 49-460.
- Becker, J. C., & Swim, J. K. (2011). Seeing the Unseen: Attention to Daily Encounters With Sexism as Way to Reduce Sexist Beliefs. *Psychology of Women Quarterly*, 35(2), 227-242.
- Berg, S. H. (2006). Everyday Sexism and Posttraumatic Stress Disorder in Women: A Correlational Study. *Violence Against Women*, 12, 970-988.
- Brandt, M. J. (2010). Sexism and Gender Inequality Across 57 Societies. *Psychological Science*, 22, 1413-1418.
- Fields, A. M., Swan S., & Kloos, B. (2010) "What It Means To Be a Woman:" Sexism in Female College Students' Experiences and Attitudes. *Sex Roles*, 62, 554-567.
- Glick, P., & Fiske, S. T. (2001). An ambivalent alliance: Hostile and benevolent sexism as complementary justifications for gender inequality. *American Psychologist*, 56, 109-118.
- Glick, P., Fiske, S. T., Mladinic, A., Saiz, J. L., Abrams, D., Masser, B., Adetoun, B., Osagie, J. E., Akande, A., Alao, A., Brunner, A., Willmsen, T. M., Chipeta, K., Dardenne, B., Dijksterhuis, A., Wigboldus, D., Eckes, T., Six-Martena, I., Exposito, F., Moya, M., Foddy, M., Kim, H., Lameiras, M., Sotelo, M. J., Mucchi-Faina, A., Romani, M., Sakall-Inodot, N., Udegbe, B., Yomamoto, M., Ui, M., Ferreria, M. C., & Lopez, W. L. (2000). Beyond prejudice as simple antipathy: Hostile and benevolent sexism across cultures. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 763-775.
- Henry JD & Crawford JR. (2005). The short-form version of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS-21): construct validity and normative data in a large non-clinical sample, *Br J Clin Psychol*, Jun;44(Pt 2):227-39.
- Hyres, L. L. (2007). Resisting Prejudice Every Day: "Exploring Women's Assertive Responses to Anti-Black Racism, Anti-Semitism, Heterosexism, and Sexism". *Sex Roles*, 56, 1-12.
- Kaiser, C. R., & Miller, C. T. (2004). A stress and coping perspective on confronting sexism. *Psychology of Women Quarterly*, 28, 168-178.
- Klonoff, E. A., & Landrine, H. (1995). The Schedule of Sexist Events: A measure of lifetime and recent sexist discrimination in women's lives. *Psychology of Women Quarterly*, 19, 439-472.
- Klonoff, E. A., Landrine, H., & Campbell, R. (2000). Sexist Discrimination May Account for Well-Known Gender Differences in Psychiatric Symptoms. *Psychology of Women Quarterly*, 24, 93-99.
- Landrine, H., Klonoff, E. A., Gibbs, J., Manning, V., & Lund, M. (1995). Physical and psychiatric correlates of gender discrimination: An application of the Schedule of Sexist Events. *Psychology of Women Quarterly*, 19, 473-492.
- Lovibond, P.F., & Lovibond, S.H. (1995). The structure of negative emotional states: Comparison of the Depression Anxiety Stress Scales (DASS) with the Beck Depression and Anxiety Inventories. *Behavior Research and Therapy*. 33 (3) :335-343.
- Lovibond, S.H., & Lovibond, P.F. (1995). *Manual for the depression anxiety, stress*

scales. Sydney: Psychology Foundation.

- Napier, J. L., Thorisdottir, H., & Jost, J. T. (2010). The Joy of Sexism? A Multinational Investigation of Hostile and Benevolent Justifications for Gender Inequality and Their Relations to Subjective Well-Being. *Sex Roles*, 62, 405–419.
- Stanger, Ch., Sechrist, G. B., & Swim, J. K. (1999). Sensitivity to Sexism and Perceptions of Reports about Sexist Events. *Swiss Journal of Psychology*, 58, 251-256.
- Swim, J. K., Hyers, L. L., Cohen, L. L., & Ferguson, M. J. (2001). Everyday sexism: evidence for its incidence, nature, and psychological impact from three daily diary studies. *Journal of Social Issues*, 57, 31–53.
- Welsh, S. (1999). Gender and Sexual Harassment. *Annual Review of Sociology*, 25, 169-90.
- Willness, Ch. R., Piers S., & Kibeom L. (2007). A Meta-analysis of the Antecedents and Consequences of Workplace Sexual Harassment. *Personnel Psychology*, 60, 127-63.



نویسندگان

سیده فاطمه یعقوبی هاشجین f.yaghoobi.h@gmail.com
 کارشناس زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه زنجان، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد: بررسی پاسخ‌های مقابله‌ای زنان به انواع تبعیض جنسیتی

طاهره الهی telahi@znu.ac.ir
 استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی (گروه روان‌شناسی) دانشگاه زنجان، دانش‌آموخته دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۸-۱۳۸۲، با عنوان رساله نقش بازنمایی اطلاعات و حافظه کاری در عملکرد حساب کودکان، دارای گواهی صلاحیت مدرس از دانشگاه تربیت مدرس، دانشجوی رتبه اول دکتری.

عنوان مقالات علمی پژوهشی و ISI:
 - بررسی نقش سبک‌های یادگیری در عملکرد زبان انگلیسی، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم شناختی، ۱۳۸۱
 - رابطه سبک‌های یادگیری وابسته-ناسته به زمینه با پیشرفت در یادگیری زبان انگلیسی، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی، بهار ۱۳۸۳
 - بررسی سطح سازگاری و نظام ارزشی در زنان، فصلنامه علمی-پژوهشی طب نظامی، زمستان ۱۳۸۵

- بررسی نظام ارزشی زنان شاغل، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم رفتاری، پاییز ۱۳۸۶
 - بررسی تحول حافظه کاری در کودکان، فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، تابستان ۱۳۸۸

- نقش حافظه کاری در جمع ذهنی کودکان پیش‌دبستانی، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم رفتاری، زمستان ۱۳۸۸

- تأثیر احساس غربت بر سلامت روان دانشجویان جدیدالورود، پذیرش از همایش ملی بهداشت روانی دانشجویان، اردیبهشت ۱۳۹۱

- پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی دانشجویان براساس پنج عامل اصلی شخصیت و عزت

نفس، دریافت پذیرش از همایش ملی بهداشت روانی دانشجویان، اردیبهشت ۱۳۹۱
-نقش مؤلفه‌های حافظه کاری در کودکان مبتلا به ناتوانی ریاضی، فصلنامه علمی-پژوهشی
علوم رفتاری، در دست چاپ
-نقش آمادگی جسمانی در سلامت روانی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله، فصلنامه
علمی-پژوهشی مطالعات روان‌شناختی، زیر چاپ
-Role of working memory components in children mathematics, 4 International
conference of cognitive science, 2011